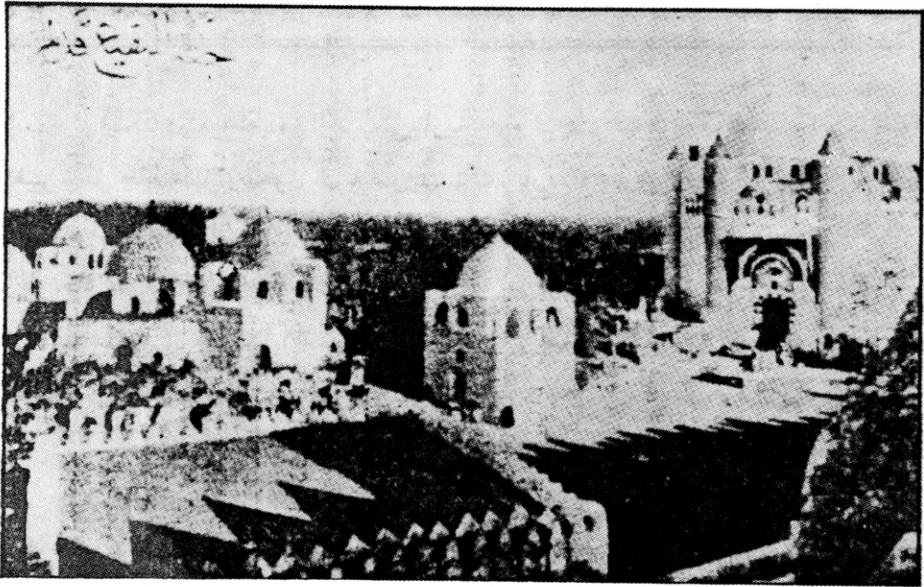


تاریخ و رجال



تاریخ حرم ائمه بقیع

- ۲ -

محمد صادق نجمی

در مرحله اول از تاریخ حرم ائمه بقیع - علیهم السلام - که در مقاله گذشته مورد بررسی قرار گرفت، این مطالب به دست آمد:

۱ - حرم شریف ائمه بقیع - علیهم السلام - قبل از دفن پیکر این امامان، در خارج از بقیع، داخل خانه‌ای بوده است متعلق به عقیل بن ابیطالب.

۲ - این خانه مورد توجه خاص رسول خدا - ص - و محل دعا و مناجات آن حضرت بوده و این عمل پیامبر بزرگوار اسلام گویای عظمت و نشانگر قداست و معرفی معنویت این خانه بود که در آینده نه‌چندان دور، ستارگانی از آسمان ولایت در این مکان شریف افول و چهار تن از اوصیای آن حضرت در این خانه به خاک سپرده خواهند شد.

۳ - توجه عمیق افراد سرشناس و اصرار آنان بر دفن شدن در نزدیکترین نقطه به این خانه، قرینه و شاهد بر این حقیقت است که آنان علاوه بر معرفی عملی رسول خدا - ص - از زبان آن حضرت مستقیماً مطلبی صریح نسبت به آینده این خانه، دریافت کرده بودند که این مطلب و این گفتار بر ما نقل نگردیده است.

و اینکه در مرحله دوم از بررسی تاریخ حرم شریف ائمه قرار گرفته‌ایم و این مرحله تغییر شکل خانه عقیل و تحول آن به صورت یک زیارتگاه عمومی (حرم) می‌باشد. گرچه نمی‌توان بطور دقیق تاریخ تحول مدفن ائمه بقیع را، از شکل مسکونی به یک زیارتگاه عمومی، مشخص نمود، ولی اولین و قدیمی‌ترین مدینه‌شناس و مورخ؛ عبدالعزیز بن زباله - زنده در سال ۱۹۹ - در مورد این حرم شریف و همچنین در مورد حرم حضرت حمزه - ع - مطلبی دارد که گویای تاریخ تقریبی تغییر و تحول در هر دو حرم شریف می‌باشد. این شبه متن گفتار ابن زباله را در مورد این دو حرم به ترتیب چنین نقل می‌کند:

۱ - قال عبدالعزيز: «دفن العباس بن عبدالمطلب عند قبر فاطمة بنت اسد بن هاشم فی اول مقابر بنی هاشم التي فی دار عقیل و یقال انّ ذلك المسجد بنی قبالة قبره...»^۱
عباس بن عبدالمطلب در اول مقابر بنی هاشم و در کنار قبر فاطمه بنت اسد - که در خانه عقیل قرار گرفته - دفن شده است و می‌گویند این مسجد (موجود) در مقابل قبر عقیل بنا شده است.

۲ - قال عبدالعزيز: «والغالب عندنا انّ مصعب بن عمیر و عبدالله بن جحش دفنا تحت المسجد الذی بنی علی قبر حمزه و انه لیس مع حمزة أحد فی القبر».^۲
غالب علمای ما (دانشمندان مدینه) بر این باورند که مصعب بن عمیر و عبدالله بن جحش در زیر مسجدی که در روی قبر حمزه ساخته شده، مدفون گردیده‌اند و اما در داخل قبر حمزه بجز خود او، کسی دفن نشده است.
از این دو سخن ابن زباله، دو مطلب به دست می‌آید:

الف - اینکه در قرنهای اول اسلام به حررها و ساختمانهایی که در روی قبور شخصیت‌های مذهبی بنا می‌گردید (مسجد) گفته می‌شد و کلمه حرم، مزار و مشهد از اصطلاحاتی است که در قرنهای پنجم و ششم بوجود آمده و لذا احمد مقدسی که از علمای قرن چهارم و از جهانگردان و جغرافی دانان اسلامی است، در مورد حرم حضرت حمزه - مانند ابن زباله - همان تعبیر (مسجد) را بکار برده است و می‌گوید:

«احد کوهی است در سه میلی مدینه که در دامنه آن، قبر حمزه در داخل مسجد است و جلو آن یک چاه است».^۳

به نظر می‌رسد که این تعبیر از قرآن مجید گرفته شده است؛ زیرا که قرآن از ساختمانی

که در روی قبور اصحاب کهف بنا شده، مسجد نام برده است.^۴

ب - ابن زباله در صدد بیان تاریخ اجمالی ساختمان این دو حرم شریف و این دو زیارتگاه عمومی است که طبق تصریح این مورخ و مدینه شناس معروف، در حال حیات وی و در اواخر قرن دوم وجود داشته است و حرم ائمه بقیع در این تاریخ، نه به شکل یک خانه، بلکه به صورت حرم و زیارتگاه عمومی بوده است ولی در عین حال گویای تاریخ قطعی این تحول و بیانگر مقطع خاصی از این قرن نیست.

اما قرائن و شواهد تاریخی دیگر، بیانگر این است که این تحول و تغییر وضع، در دهه سوم از قرن دوم هجری؛ یعنی دوران خلافت ابوالعباس سفاح ۱۳۶ - ۱۳۲ و حد اکثر در سالهای اول خلافت ابوجعفر منصور ۱۴۹ - ۱۳۷ بوقوع پیوسته است.



توضیح این قرینه تاریخی

در احداث ساختمان و تعمیر مدفن و قبور شخصیت‌های مذهبی و افراد معروف و سرشناس، معمولاً یکی از دو انگیزه وجود دارد؛ یا جنبه سمبلیک و سیاسی دارد و یا دارای انگیزه‌های معنوی و شعار مذهبی است و البته گاهی نیز ممکن است هر دو انگیزه همزمان وجود داشته باشد که حرم ائمه بقیع با توجه به وجود قبر جناب عباس - سرسلسله خلفای عباسی - در داخل آن، مخصوصاً در مقطع یاد شده، از هر دو جنبه برخوردار بوده است و در عین حال با سیاست سلاطین اموی و عملکرد آنان در همین زمینه، ارتباط پیدا می‌کند.



سلاطین اموی و بهره‌برداری سیاسی از قبور

سلاطین بنی‌امیه در دوران فرمانروایی خود، برای تثبیت و تقویت حکومت خویش، در کنار فشار فوق‌العاده‌ای که به ائمه اهل بیت - علیهم السلام - و شیعیانشان وارد می‌کردند، در برخی موارد حتی از سیاست تخریب و تعمیر قبور شخصیتها نیز - علی‌رغم مخالفت بعضی از سرشناسان این حکومت - بهره‌برداری می‌نمودند. نمونه‌هایی از این سیاست ناروا و ناشایست:

۱ - ضمیمه نمودن محل دفن عثمان بن عفان به قبرستان بقیع، بدستور معاویه بن ابی

سفیان.^۵

۲ - حفر قنات و جاری نمودن آب از داخل قبور شهدای احد، مخصوصاً قبر حضرت حمزه، برای از بین بردن آثار این شهیدان بدستور معاویه.^۶

۳ - انتقال قطعه سنگی که به دست مبارک رسول خدا - ص - در روی قبر عثمان بن مظعون قرار گرفته بود و قرار دادن آن در روی قبر عثمان بن عفان بوسیله مروان بن حکم.^۷

تاریخ شاهد نمونه‌های فراوان دیگری از بهره‌برداری سیاسی امویها از مدفن شخصیتها، از طریق تخریب و تعمیر آنها می‌باشد که به موازات حدیث‌سازی در مدح و ذم افراد و در فضائل و مطاعن شخصیتها حرکت نموده است.^۸



مقابله بنی‌عباس با سیاست امویها

با کوتاه شدن دست خاندان اموی از خلافت و انتقال آن به بنی‌عباس که باروی کارآمدن سفاح ۱۳۶-۱۳۲ به وقوع پیوست و به مقتضای شرایط و دگرگونی اوضاع سیاسی، خلفای عباسی درصدد مقابله با سیاست امویها برآمدند و بهره‌برداری سیاسی جهت تقویت و تثبیت حکومت این خاندان از راه حدیث‌سازی شروع گردید و حدیثهای ساختگی فراوان در تحکیم سلاطین عباسی به کار گرفته شد و طبیعی است به موازات استفاده از این نوع حدیثها که درباره یکایک این خلفا و درباره جناب عباس^۹ سرسلسله این خاندان بوجود آمد، بهره‌برداری از تغییر و توسعه مدفن او نیز به عمل خواهد آمد؛ زیرا اگر بنی‌امیه علی‌رغم افکار عمومی و برخلاف میل باطنی مردم، از این سیاست - ولو برای دراز مدت و قرنهای آینده - استفاده می‌نمود، چرا سفاح و منصور از این سیاست که مطابق میل مسلمانان و موافق با افکار آنان بود استفاده نکنند و مدفن عباس و خانه عقیل را که آنروز مدفن سه تن از فرزندان رسول خدا و فاطمه - سلام الله علیها - بود به صورت «مسجد» و زیارتگاه عمومی درنیاورد؟ و از این طریق ضمن معرفی خاندان خویش و پیوند آن با رسول خدا - ص - که بزرگترین عامل پیروزی آنان بر بنی‌امیه بود به اثبات نرساند و با احترام ضمنی بر اهل بیت که با شعار حمایت از آنان، بنی‌امیه را از صحنه خارج کرده بود این شعار را به صورت مجسم در معرض تماشای همگان قرار ندهد؟

و اگر بنی امیه تلاش می نمود بدون توجه به افکار عمومی با ضمیمه کردن محل دفن عثمان به گورستان مسلمانان و انتقال سنگ قبر ابن مظعون به قبر ابن عفان سیاست خود را اعمال کند، چرا بنی عباس با توسعه و تغییر محل دفن عباس عموی پیامبر - ص - که به انگیزه اعتبار و احترام، در کنار بقیع و در مقبره خصوصی و خانوادگی دفن شده بود از به کارگیری این سیاست محروم شود؟

و اگر معاویه می خواست با نبش قبر حضرت حمزه و سایر شهدای احد، آثار جنایت تاریخی خود و خاندانش را از صفحه تاریخ بزدايد و خاطره تلخ و نکبت بار شکافتن سینه حضرت حمزه عموی رسول خدا - ص - و جویدن جگر این مدافع شجاع و قهرمان اسلام را که به وسیله هند انجام گرفت به فراموشی بسپارد، چرا بنی عباس با احداث ساختمان در روی قبر مطهر آن حضرت ضمن معرفی و پیوند خویش با وی و اعلان شهادت و شجاعت و تجدید خاطره او که به نفع این خاندان و بر ضد بنی امیه بود استفاده نکند؟



و اما جنبه مذهبی این تحول:

با روی کار آمدن عباسیها، شیعیان و مخصوصاً بنی الحسن که در مدینه از موقعیت و محبوبیت خاصی برخوردار بودند و در دوران سلاطین اموی و مروانی در سخت ترین شرایط بسر می بردند به آزادی دست یافتند و به اظهار عقیده خویش پرداختند که این وضع تا بخشی از دوران خلافت منصور ادامه داشت، در این میان بعضی از بنی الحسن مانند عبدالله بن حسن محض و فرزندش محمد معروف به «نفس زکیه» از دوران امویها در پی کسب قدرت و در فکر روی کار آوردن اهل بیت و تفویض خلافت به فرزندان پیامبر - ص - بودند و فعالیت پنهانی آنان از چشم عباسیان دور نبود ولی در عین حال سفاک برای جلب خوشنودی شیعیان و جدا ساختن بنی الحسن از عبدالله و نفس زکیه هر نوع بذل و بخشش و احترام و همفکری با آنان را انجام می داد و از نمونه های این احترام و هم فکری، اعتراف سفاک به حقانیت امیرمؤمنان - ع - در اولین خطبه اش می باشد که پس از روی کار آمدنش ایراد گردید^{۱۰} و نمونه دیگر احترام، تفویض فدک به بنی الحسن است که باز بوسیله سفاک انجام گرفت.^{۱۱}

طبیعی است در چنین شرایط و با برداشته شدن همه موانع، شیعیان خاندان عصمت و

بویژه سادات بنی‌الحسن در تعمیر و توسعه مدفن ائمه بقیع و تبدیل خانه عقیل به «حرم» بعنوان یک وظیفه دینی و شعار مذهبی اهتمام ورزیده و به مفهوم آیه قرآنی، تحقق خواهند بخشید و آن بیت رفیع را برای عبادت و ذکر خداوند سبحان و حضور ارادتمندان خاندان عصمت و طهارت آماده تر خواهند نمود که:

«فی بیوت آذِنَ اللهُ أَنْ ترفعَ و یذکرَ فیها اسمہ یسبح فیها بالغدوِّ والآصال رجال لا تلهیهم تجارةٌ ولا بیعٌ عن ذکرِ اللهِ».



دفن پیکر مطهر امام صادق - ع - در داخل حرم

از این تحلیل تاریخی دو نتیجه بدست می‌آید:

۱ - ایجاد ساختمان مدفن ائمه بقیع - علیهم السلام - و تبدیل خانه عقیل به حرم و زیارتگاه عمومی در دوران خلافت سفاح ۱۳۶ - ۱۳۲ و یا در اوائل دوران خلافت منصور ۱۵۸ - ۱۲۳۷ به وسیله یکی از این دو خلیفه و یا به وسیله بنی‌الحسن و شیعیان مدینه و یا هماهنگی هر دو جناح و با اهداف مختلف صورت گرفته است.

۲ - همانگونه که در مقاله گذشته روشن گردید، اجساد مطهر سه تن از ائمه هدی، یعنی امام مجتبی، امام سجاد و امام باقر - علیهم السلام - که ارتحال و شهادت آنان به ترتیب در سالهای ۵۰، ۹۵ و ۱۱۴ واقع شده و در داخل خانه عقیل دفن شده است، ولی پیکر امام صادق - ع - که وفات وی در سال ۱۴۸ بوقوع پیوسته، نه تنها در داخل محوطه مسقف و در داخل خانه، بلکه در داخل حرم و پس از تبدیل شدن خانه عقیل به «مسجد» و زیارتگاه عمومی در کنار قبور ائمه سه گانه، به خاک سپرده شده است. و این بود مرحله دوم از تاریخ حرم ائمه بقیع (ع).

متأسفانه در مورد تغییر و تحوّل که پس از این تاریخ تا قرن پنجم، در این حرم شریف بوجود آمده است، اطلاع دقیق و مستند تاریخی در دست نیست ولی با توجه به بحثهای گذشته، مسلماً این حرم در طول این سه قرن نیز مورد توجه عباسیان و شیعیان بوده و از هر فرصت ممکن در تعمیر و تجدید بنای آن اهتمام ورزیده‌اند و بعضی از شواهد تاریخی نیز بر این حقیقت است.

از جمله، مطلبی است که مرحوم جزایری که در سال ۱۰۹۵ هجری به زیارت مدینه رفته است می‌نویسد: یکی از شیعیان ساکن مدینه به او گفت که در سال پیش، علمای مدینه به تفتیش کتبی که در خزانه بقیع بوده رفته و نسخه‌ای از «المزار» شیخ مفید را در آنجا یافتند که در آن نسبت به بعضی از صحابه بدگویی شده بود، کتاب را نزد قاضی آورده و از وی خواستند تا اجازه دهد قبه ائمه را تخریب نمایند. او گفت این قبه را هارون الرشید برای پدرش ساخته و من نمی‌توانم به خراب کردن این قبه قدیمی فتوا بدهم.^{۱۳}

بطوری که در مرحله سوم از تاریخ حرم ائمه بقیع خواهیم دید، قبه‌ای که در قرن یازدهم مورد بحث بوده قاضی مدینه ساختمان آن را به هارون الرشید نسبت می‌داده است، همان بقعه و قبه‌ای است که در قرن پنجم به دستور مجد الملک ساخته شده است نه به وسیله هارون الرشید ولی گفتار قاضی مدینه نشانگر این است که هارون هم در دوران خلافتش ۱۹۳ - ۱۷۰ به این حرم شریف توجه و در تعمیر آن نقشی داشته است؛ بطوری که حتی گنبد و بارگاهی که تقریباً سه قرن پس از او و بدست یکی از وزرای ایرانی ساخته شده است، به وی منتسب گردیده است.



مرحله سوم از تاریخ حرم ائمه بقیع - علیهم السلام -

مرحله سوم از تاریخ حرم ائمه بقیع، از قرن پنجم و با ساختن گنبد در روی قبور آنان شروع می‌شود.

برای آشنایی خوانندگان عزیز با این بخش از تاریخ این حرم شریف و سهولت نیل علاقه‌مندان به چگونگی آن در طول هشت قرن، به نقل گفتار بعضی از مورخان و جهانگردان در این مورد می‌پردازیم:

طبق مدارک مسلم تاریخی، گنبد و بارگاه حرم ائمه بقیع که از نظر استحکام و ارتفاع، ظرافت و زیبایی بر همه قبه‌های موجود در بقیع، تفوق داشته و به مدت هشتصد سال سر بر آسمان می‌سوده و توجه مورخان و جهانگردان را به خود جلب و در صفحات تاریخ عظمت آن منعکس گردیده به دستور مجد الملک ابوالفضل اسعد بن محمد بن موسی البراوستانی القمی وزیر^{۱۴} برکیارق از سلاطین سلجوقی^{۱۵} ساخته شده است.

در این زمینه مورخ معروف ابن اثیر متوفای ۶۳۰ هـ. ق در کتاب خود (الکامل) در حوادث سال ۴۹۵ هـ. می‌گوید: در این سال امیر مدینه منظور بن عماره حسینی دنیا را وداع گفت و او معماری را که از اهالی قم بود و از سوی مجدالملک بلاسانی^{۱۶} برای ساختن قبه سن بن علی و عباس عموی پیامبر - ص - در مدینه به سر می‌برد به قتل رسانید.

سپس می‌گوید: این قتل پس از کشته شدن خود مجدالملک (در ایران) و پس از آن به وقوع پیوست که معمار یاد شده به مکه فرار نموده و امیر بر وی تأمین جانی داده بود.^{۱۷}

مرحوم قاضی نورالله شوشتری می‌گوید:

و از آثار مجد الملک قبه حسن بن علی - ع - در بقیع است که علی؛ زین العابدین، محمد باقر، جعفر صادق و عباس بن عبدالمطلب در آنجا آسوده‌اند.

سپس می‌گوید: ... و چهار طاق عثمان بن مظعون را - که اهل سنت چنان پندارند که مقام عثمان بن عفان است - او بنا کرده است و مشهد امام موسای کاظم و امام محمد تقی در مقابر قریش در بغداد را هم او بنا نموده است و مشهد سید عبدالعظیم حسنی در ری^{۱۸} و غیر آن از مشاهیر سادات علوی و اشراف فاطمی - علیهم السلام - از آثار اوست.^{۱۹}

مرحوم محدث قمی می‌گوید: براوستان قریه‌ای است از قرای قم و از آنجاست ابوالفضل اسعد بن محمد بن موسی مجدالملک شیعی وزیر برکیارق و از برای اوست آثار حسنه؛ مانند قبه ائمه بقیع و مشهد امام موسی و امام محمد تقی - علیهما السلام - و مشهد جناب عبدالعظیم و غیر ذلك^{۲۰} بطوری که قبلاً اشاره گردید، این موضوع از مسلمات تاریخ است و گذشته از منابع یاد شده، در کتابهای تاریخی دیگر مانند منتخب التواریخ نیز آمده است.^{۲۱}



تاریخ ساختمان گنبد ائمه بقیع

هیچیک از مورخان، تاریخ دقیق ایجاد ساختمان و بنای گنبد را که به دستور مجدالملک انجام پذیرفته، مشخص ننموده‌اند ولی با توجه به تقارن قتل معمار این حرم مطهر، با کشته شدن مجدالملک که در سال ۴۷۲ به وقوع پیوسته است می‌توان گفت که بنای قبه حرم ائمه بقیع نیز مقارن همان تاریخ و نهایتاً در اواخر دهه ششم یا در اوائل دهه هفتم از قرن پنجم به اتمام رسیده است.



کیفیت گنبد و بارگاه ائمه بقیع

این بود تاریخ بنای گنبد حرم ائمه بقیع و تصریح مورخان در مورد بانی اصلی و معمار و مهندس آن.

اینک نگاهی گذرا داریم به گفتار عده‌ای دیگر از مورخان و جهانگردان که مشاهدات خود را درباره چگونگی این حرم شریف در طول هشتصد سال و به ترتیب زمانی در تألیفات و سفرنامه‌های خود ثبت و برای آیندگان به یادگار گذاشته‌اند.

در قرن هفتم: ابن جبیر جهانگرد معروف (متوفای ۵۶۱۴ هـ) در مورد گنبد ائمه بقیع می‌گوید:

«وهی قبة مرتفعة فی الهواء علی مقربة من باب البقیع».

«و آن قبه‌ای است مرتفع و سر بفلک کشیده که در نزدیکی درب بقیع واقع شده است».^{۲۲}

ابن نجار مدینه‌شناس و مورخ معروف (متوفای ۶۴۳) نیز می‌گوید: «وهی کبيرة عالیة قدیمة البناء و علیها بابان یفتح احدهما کل یوم».^{۲۳}

«این گنبد، بزرگ و مرتفع و دارای قدمت زمانی است، دو درب دارد که یکی از آنها هر روز باز است».

در قرن هشتم: خالد بن عیسی البلوی المغربی که در سال ۵۷۴۰ هـ.ق. به مدینه سفر کرده است، می‌گوید:

«وهی قبة کبيرة مرتفعة فی الهواء».^{۲۴}

«این گنبدی است بزرگ، مرتفع و سر بفلک کشیده».

و مشابه همین جمله را ابن بطوطه جهانگرد معروف (متوفای ۵۷۷۹ هـ.ق.) آورده است

که:

«وهی قبة ذاهبة فی الهواء بدیعة الاحکام».^{۲۵}

«و آن قبه‌ایست سر بفلک کشیده و از نظر استحکام، بدیع و اعجاب‌انگیز است».

در قرن دهم: سمهودی (متوفای ۹۱۱) می‌گوید:

«و علیهم قبة شامخة فی الهواء»^{۲۶}.

«در روی قبرشان گنبدی است بلند و سر بفلک کشیده».

در قرن سیزدهم: سر ریچارد بورتون (SIR RICHARD BURTON) جهانگرد غربی که در سال ۱۲۷۶ ه. ق. به مدینه مسافرت نموده در سیاحتنامه خود گنبد ائمه بقیع را چنین توصیف می‌کند:

«و هذه القبة أكبر و أجمل جميع القبب الأخرى و تقع علی یمین الداخل من باب المقبرة»^{۲۷}.

«این قبه که در دست راست واردین به بقیع قرار گرفته است، بزرگتر و زیباتر از همه قبه‌ها است».

در قرن چهاردهم: علی بن موسی که یکی از نویسندگان ساکن مدینه است و کتابی دارد به نام «وصف المدينة المنورة» که در سال ۱۳۰۳ ه. ق. تألیف نموده، درباره بقیع و مقابر و گنبد‌های آن توضیحاتی دارد و راجع به قبه ائمه بقیع می‌گوید:

«و قبة آل البيت العظام و هی اکبر القببات»^{۲۸}.

و بالاخره ابراهیم رفعت پاشا که آخرین بار در سال ۱۳۲۵ ه. ق. و ۱۹ سال قبل از تخریب حرم ائمه بقیع سفر حج نموده است، می‌گوید:

«والعباس و الحسن بن علی و من ذکرناه معه تجمعهم قبة واحدة هی اعلى القببات التي هنالك كقبة ابراهيم و...»^{۲۹}.

و عباس و حسن بن علی و سه تن دیگر که قبلاً نام بردیم (ائمه سه گانه) در زیر یک قبه قرار گرفته‌اند که بزرگتر از همه قبه‌های موجود در بقیع؛ مانند قبه ابراهیم و... می‌باشد.

پاورقی‌ها:

- ۱ - تاریخ المدینه، ج ۱، ص ۱۲۷.
- ۲ - تاریخ المدینه، ص ۱۲۶.
- ۳ - احسن التقاسیم، به ترجمه علی النقی منزوی، ج ۱، ص ۱۱۸.
- ۴ - قال الذین غلبوا علی أمرهم لتتخذنّ علیهم مسجداً، کهف: ۲۱.
- ۵ - تاریخ طبری، چاپ دارالقلم بیروت، ج ۳، ص ۱۴۳.
- کامل ابن اثیر، چاپ دارالکتاب بیروت، ج ۳، ص ۹۱.
- شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید به تحقیق محمد ابراهیم ابوالفضل، ج ۱۰، ص ۹۱.
- ۶ - مسند احمد بن حنبل، ج ۳، ص ۳۹۸ - ۳۹۷.
- تاریخ المدینه ابن شبه، ج ۱، ص ۱۳۲.
- دلایل النبوه بیهقی به نقل وفاء الوفا، ج ۳، ص ۹۳۹.
- اسدالغابه، ج ۲، ص ۵۰.
- ۷ - تاریخ المدینه ابن زباله، به نقل وفاء الوفا، ج ۳، ص ۸۹۴ و ۹۱۴.
- تاریخ المدینه ابن شبه، ج ۱، ص ۱۰۲.
- عمده الاخبار، ص ۱۵۲.
- اسدالغابه، ج ۳، ص ۳۸۷.
- ۸ - در توضیح این مطلب به جلد اول سیری در صحیحین از این نویسنده مراجعه شود.
- ۹ - نمونه‌هایی از این حدیث‌های ساختگی که از رسول خدا - ص - نقل گردیده است:
یخرج عندالقطاع من الزمان و ظهور من الفتن رجل یقال له السفاح فیکون اعطائه المال حشياً. مسند احمد، ج ۳، ص ۸۰.
- تاریخ الخلفاء، ص ۲۳۸.
- منا السقّاح و منا المنصور و منا المهدي.
- تاریخ الخلفاء، ص ۲۴۲.
- تاریخ بغداد، ج ۱، ص ۶۳.
- اوصانی الله بذی القربی و امرنی ان ابدء بالعباس. مستدرک صحیحین، ج ۳، ص ۳۳۴ بدین ترتیب رسول خدا هم سه تن از خلفای عباسی را مورد تأیید قرار داده و هم عباس را برتر از همه افراد اهل بیت معرفی نموده است.
- ۱۰ - سفاح بهنگام ایراد اولین خطبه، زبانش بند آمد، داود بن علی در پایه دوم منبر قرار گرفت و بجای وی خطبه خواند که از جملات خطبه‌اش این است: ما وقف هذا الموقف بعد رسول الله احدّ أولى به من علی بن ابیطالب و هذا القائم خلفی. تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۳۵۰.
- ۱۱ - شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۱۶، ص ۲۱۶.
- معجم البلدان، ج ۴، ص ۲۳۹.

- ۱۲ - زیرا مخالفت منصور با علویان از سال ۱۴۵ با قیام محمد و ابراهیم فرزندان عبدالله بن حسن علی گردید بطوری که مورخان درباره او گفته‌اند:
 «كان المنصور اول من أوقع الفتنة بين العباسيين والعلويين وكانوا قبل شيئاً واحداً. تاریخ الخلفاء، ص ۲۴۳.
- ۱۳ - مجله میقات، ش ۴، مقاله: حجاج شیعی در دوره صفوی، ص ۱۲۵ - ۱۲۴.
- ۱۴ - لغتنامه دهخدا ابوالفضل مجدالملک را به فاصله هشت صفحه و ظاهراً از روی اشتباه به عنوان شخص مستقل گاهی وزیر ملکشاه و گاهی کاتب وی معرفی نموده است.
- ۱۵ - برکیارق بن ملکشاه سلجوقی ملقب به رکن‌الدین و مکنی به ابوالمظفر از پادشاهان مشهور سلاجقه و چهارمین پادشاه (۴۹۸ - ۴۸۶ ه. ق.) از این سلسله است. نگاه: لغتنامه دهخدا.
- ۱۶ - صحیح آن براوستانی است. یاقوت حموی می‌گوید: براوستان از روستاهای قم و از آنجاست مجدالملک وزیر برکیارق که در سال ۴۷۲ به قتل رسید.
- ۱۷ - الکامل چاپ دارالکتاب العربی، بیروت، ج ۸، ص ۲۱۴.
- مرحوم قاضی نورالله شوشتری مطلبی نقل می‌کند که دلیل بر متهم بودن مجدالملک به کشتن یک نفر اهل سنت می‌باشد، آنگاه این موضوع را مورد تردید قرار می‌دهد. به نظر می‌رسد قتل معمار یاد شده با این قتل ارتباط داشته و موضوع دارای اهمیت بوده که در تاریخ منعکس شده است.
- ۱۸ - اصل این قبه از آثار مجدالملک، ولی ایوانهای اطراف از آثار سلاطین صفوی است.
- ۱۹ - مجالس المؤمنین، ج ۲، ص ۴۵۸.
- ۲۰ - هدیه الاحباب، ص ۱۱۹.
- ۲۱ - همان، صفحه ۱۰۲.
- ۲۲ - رحلة ابن جبیر، چاپ دارالکتاب اللبنانية، ج ۶۴.
- ۲۳ - گفتار ابن نجار را سمهودی در وفاء الوفا، ج ۳، ص ۹۱۶ آورده است.
- ۲۴ - تاج المفرق فی تحلیه علماء شرق مطبعة فضالة مغرب، ج ۱، ص ۲۸۸.
- ۲۵ - رحلة ابن بطوطه چاپ دارالتراث بیروت، ص ۱۱۹.
- ۲۶ - وفاء الوفا، ج ۳، ص ۹۱۶.
- ۲۷ - موسوعة العتبات المقدسة، ج ۳، ص ۲۸۳.
- ۲۸ - وصف المدينة المنورة صفحه ۱۰. این کتاب جزء مجموعه‌ایست به عنوان رسائل فی تاریخ المدینة که در سال ۱۳۹۲ ه. از طرف منشورات دارالیمامه ریاض منتشر شده است.
- ۲۹ - مرآت الحرمین، ج ۱، ص ۴۲۶.